

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: AA-AA

کوه آسمائی

اگر در خواب می دیدم غم روز جدائی را
ترا فرمانروای جان و دل کردم ندانستم
ز هر سو بر سر من محنت و بیداد می بارد
به تلخی گوشه چشمی به ما هم می توان کردن
به تو از عشق اگر افسانه بسیار می خوانند
دو زلفت رشته ها در گردنم افکنده، میدانم
سر عزت به بام عرش می سائی، اگر یابی
شبی بر خوان وصل خویش مهمان میتوان کردن
به قربان سرت کردم، به قتل من کمر بستی؟؟؟
قسم بر شیر مادر، جوی شیرم یاد می آید
به کوری رقیب این شعر گفتم کونمی بیند

به دل هرگز نمی بستم خیال آشنائی را
که طفل، اصلا نداند شیوه فرمانروائی را
مگر گردون گرفته شیوه مردآزمائی را
نصیب دیگران کردی اگر شیرین ادائی را
تمییز خوب و بد کن، یار نانی و فدائی را
که آخر می برم در خاک امید رهائی را
به زیر پای مهرویان رُموز جبهه سائی را
سیه روزی که در پا بسته زنجیر گدائی را
که خون آلوده می بینم کف دست حنائی را
به دل می پرورم سودای کوه آسمائی را
به زلف تو سیاهی را، به شعر من رسائی را

به رندی شهره بودی، لاف تقوی می زنی امروز

«اسیر» آخر ز کی آموختی این پارسائی را

(فرانکفورت - دسمبر ۲۰۰۲ ع)